

درس ۱۰ «چیستی انسان (۲)»

در درس قبل نظرات برخی فلاسفه دوره یونان باستان و دوره جدید اروپا در باره حقیقت انسان بررسی شد.

در این درس نظرات متفکرین و فلاسفه مسلمان که بیشتر در ایران ظهور کردند، بررسی می شود.

دیدگاه فیلسوفان مسلمان در باره حقیقت انسان:

فیلسوفان مسلمان با استفاده از:

الف- آنچه از افلاطون و ارسطو و پیروان آن دو به دستشان رسیده بود

ب- و با الهام از آموزه های دینی خود، در توضیح و تبیین حقیقت انسان قدم های بلندی برداشتند و آثاری از خود بر جای گذاشتند.

سوال؟ نظر فیلسوفان مسلمان در باره «حقیقت انسان» چیست؟

پاسخ: این فیلسوفان به خصوص فارابی، ابن سینا، خواجه نصیر، سهروردی، میر داماد، ملاصدرا، سبزواری و نیز بسیاری از فیلسوفان مسلمان دوره معاصر تأکید می کنند که:

۱- نمی توان انسان را به یک موجود صرفاً زمینی و مادی تقلیل داد و در همان حال برای وی ویژگی های متعالی و ارزشمند مانند آزادگی، کرامت انسانی، نوع دوستی و فضایی از این قبیل قائل شد.

۲- آنان همچنین با تفکر و تعمق فکری دینی را قبول کرده اند که :

الف- در کتاب آسمانی به روشنی و وضوح از حقیقتی به نام «روح» سخن گفته اند و آن را هدیه ای الهی و غیر زمینی شمرده است.

ب- همچنین این کتاب آسمانی انسان را موجودی جاویدان، جانشین خدا در زمین و مسجود فرشتگان محسوب کرده که آسمان ها و زمین را خداوند برای او آفریده و آماده ساخته است.

۳- آنان همچنین یا خود عارف بودند یا عارفانی را می شناختند که با قدم سلوک و پاکی نفس به مرحله ای رسیده بودند که مراتب «برتر و مجرد هستی» را شهود می کردند و می دانستند چنین شهودی در توان بدن مادی انسان نیست.

سوال؟ ابیات زیر به چه دیدگاهی در باره انسان اشاره دارد؟

مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم

ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست به هوای سر کویش پر و بالی بزنم

پاسخ:

اشاره به مراتب برتر و مجرد هستی و اینکه انسان دارای حقیقتی برتر از این بدن مادی است که همان بُعد مجرد است.

دیدگاه فلاسفه مسلمان در باره «ماهیت و حقیقت انسان»

۱- ابن سینا:

ابن سینا نظر «ارسطو» را در باره حقیقت انسان پسندید و کوشید این دیدگاه را عمیق تر بیان کند و ابعاد دیگر آن را روشن نماید.

یاد آوری:

دیدگاه ارسطو در باره نفس:

الف- ارسطو نظر استاد خود افلاطون را پذیرفت که «قوه نطق» و قابلیت «حیات»، مربوط به نفس است نه بدن
ب- از نظر ارسطو نفس در هنگام تولد حالت بالقوه دارد و هیچ حالت بالفعلی ندارد و تدریجاً به فعلیت می رسد و کامل و کامل تر می شود.

دیدگاه ابن سینا در باره روح و نفس:

ابن سینا معتقد به دوگانگی روح و جسم است

توضیح: ابن سینا معتقد است که وقتی بدن انسان دوره جنینی را در رحم مادر گذراند و به مرحله ای رسید که صاحب همه اندام های بدنی شد، خداوند روح انسانی را به آن عطا می کند: (روح ضمیمه بدن می شود).

سوال؟

ابن سینا روح را چگونه توصیف می کند؟

پاسخ:

۱- این روح جنبه غیر مادی دارد و از جنس موجودات مجرد است

۲- استعداد «کسب علم» از طریق تفکر را دارد

۳- می واند اموری از قبیل اخلاق، عشق، دوستی، نفرت، پرستش و معنویت را در یابد و آن ها را درخود پدید آورد

۴- ابن سینا همچون عارفان برای روح جایگاه رفیعی در نظام خلقت قائل است که بی قرار رسیدن به آن جایگاه است و برای رسیدن به آن می کوشد.

● ابن سینا برای بی قراری روح جهت رسیدن به جایگاه اصلی خود شعری به زبان عربی «قصیده عینیه» سروده که حکایت گر هجران روح جدا شده از بارگاه کبریایی و گرفتار در دامن طبیعت و دنیا را شرح می دهد.

وی روح را کبوتری گرانمایه توصیف می کند که از آسمانی رفیع به زمین دنیا آورده شده است.

سوال؟ کدام عارف و شاعر پس از ابن سینا در وصف روح مضامینی نزدیک به مضامین ابن سینا در «عینیه» دارد؟

پاسخ: جلال الدین محمد بلخی معروف به مولانا

وی معتقد است که حقیقت انسان مربوط به عالم برتر است در حالی که بسیاری این بدن را که سایه آن حقیقت است، اصل تلقی کرده اند.

مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم

ای خوش آن روز که پرواز کنم تا بر دوست به هوای سر کویش پر و بالی بزنم

● ابن سینا مانند ارسطو به تکامل روحانی انسان معتقد است

۲- شیخ شهاب الدین سهروردی:

● سهروردی یکی از فیلسوفان بزرگ جهان اسلام و مؤسس «مکتب اشراق» است.

او یک عارف و سالک الی الله نیز محسوب می شود؛ او با بهرمندی از الهامات و اشراقات معنوی خود، بسیاری از حقایق را از طریق «شهود درونی» به دست می آورد و تلاش می کند آن ها را به زبان «فلسفه و استدلال» بیان کند. (بیان حقایق شهود به زبان فلسفه).

نکته: روش مکتب اشراق در مباحث فلسفی، استدلال عقلی + شهود است.

توجه: موضوع تمام مکاتب فلسفه اسلامی مشترک و «مطلق وجود» است.

● سهروردی به جای مفهوم «وجود» بیشتر از مفهوم «نور» استفاده می کرد.

سوال؟ نظر سهروردی در باره هستی چیست؟

پاسخ: او معتقد است که «هستی» «مراتب نور» است. یعنی:

الف- خداوند که نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد، «نور الانوار» است.

ب- سایر مراتب وجود، نور هستی خود را از نور الانوار دریافت می کنند، اما چون نور کامل نیستند، ترکیبی از نور و ظلمت اند.

سوال؟ نظر سهروردی در باره «نفس» چیست؟

پاسخ:

۱- او عقیده داشت که نفس انسان همان جنبه ظلمانی اوست.

۲- نفس اگر نورانیت بیشتری کسب کند، الف- حقایق هستی را بهتر رؤیت می کند ب- می تواند با کسب شایستگی و لیاقت بیشتر، مسیر کمال را طی کند

۳- وی نفس را حقیقتی مربوطاً به مشرق عالم می داند که از مشرق وجود دور افتاده و مشتاق بازگشت به آنجاست (مشابه نظر ابن سینا در قصیده عینیه)

سوال؟

منظور از مشرق و مغرب در جغرافیای عرفانی سهروردی چیست؟

پاسخ: او می گفت: خدا یا همان نور الانوار، «مشرق عالم» است و از خداوند است که انوار بعدی طلوع می کند (موجوداتی که پایین تر از نور الانوار قرار دارند)، از آن جا که نور وجود به پایین ترین حد خود می رسد، «مغرب عالم» قرار گرفته است.

۳- صدر المتألهین شیرازی (ملا صدرا)

ملا صدرا مؤسس مکتب فلسفی به نام «حکمت متعالیه» است.

روش فلسفی حکمت متعالیه: استدلال عقلی + شهود قلبی + وحی و سنت

سوال؟

دیدگاه حکمت متعالیه در باره «نفس» چیست؟

پاسخ:

- ۱- انسان حقیقتی دو بُعدی است (روح و بدن)
- ۲- روح ضمیمه شده به بدن نیست بلکه نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است
- ۳- روح و بدن «دو چیز مجزا نیستند» که کنار هم قرار گرفته باشند بلکه اینها «وحدتی حقیقی» دارند، به گونه ای که یکی (روح) باطن دیگری است.
- ۴- به دلیل وحدت روح و بدن، هر اتفاقی که در روح بیفتد در بدن ظاهر می شود و هر اتفاقی که در بدن رخ دهد بر روح تأثیر می گذارد
- ۵- از منظر حکمت متعالیه روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده می توانند به آن برسند
- ۶- ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح می تواند به هر مرتبه کمالی در جهان دست یابد؛ زیرا مراحل تکاملی طبیعت وقتی از گیاه و حیوان می گذرد و به انسان می رسد، ظرفیتی بی نهایت پیدا می کند و به هیچ درجه ای از کمال قانع نمی شود

سوال؟

ابیات زیر از مولوی توصیف چه اموری است؟

از جمادی مُردم و نامی شدم	وزنما مُردم به حیوان سر زدم
مُردم از حیوانی و آدم شدم	پس چه ترسم کی ز مُردن کم شوم
حمله دیگر بمیرم از بشر	تا برآرم از ملایک پر و سر
وز ملک هم بایدم جستن ز جو	کل شی عالم الا وجهه
بار دیگر از ملک قربان شوم	آنچه اندر وهم نیاید آن شوم

پاسخ:

۱- مراحل تکامل طبیعت از جماد به گیاه و از گیاه به حیوان و از حیوان به انسان

۲- استعداد بی نهایت انسان در کمال طلبی

سوال؟

تفاوت دیدگاه ملا صدرا با ابن سینا در رابطه با نفس چیست؟

پاسخ: ابن سینا روح را ضمیمه شده به بدن می داند اما ملا صدرا روح را نتیجه رشد و تکامل خود بدن می داند

سوال؟ آیا هویت انسان از بدو تولد شکل گرفته است؟ منظور از ظرفیت و استعداد بی نهایت چیست؟ (نظر حکمت متعالیه را بنویسید).

پاسخ: از منظر حکمت متعالیه اگر چه انسان ظرفیت و استعداد بی نهایت دارد اما این استعداد به معنای رسیدن حتمی وی به کمالات نیست؛ انسان باید با «اختیار و اراده» خود، این ظرفیت را به «فعلیت» برساند، یعنی باید:

الف- مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب نماید

ب- با ایمان و عمل صالح این مسیر را طی کند

پس: در ابتدای زندگی هر انسانی معلوم نیست وی چه هویتی خواهد داشت ، شجاع خواهد بود یا ترسو؟ بخشنده خواهد بود یا بخیل؟ عالم خواهد بود یا نادان؟

همه اینها به صورت بالقوه در وجود انسان هست ؟ بالفعل شدن هر کدام از آن ها به گزینش ها و شیوه زندگی افراد مربوط است.